

تحلیل تاریخی گزارش‌های وانهادن سرپرستی جعفر بن ابی طالب به عباس بن عبدالمطلب

حسین قاضی‌خانی^۱

چکیده: جعفر بن ابی طالب یکی از شخصیت‌های برجسته در اسلام است که پیامبر(ص) نیز محبت خاصی به ایشان داشته است. از جمله چالش‌های مطرح در تاریخ زندگانی ایشان سپرده شدن سرپرستی او به عباس بن عبدالمطلب است. ارزیابی گزارش‌های مرتبط با این ادعا، مساله محوری این پژوهش است. برای رسیدن به این مهم نخست جمع‌آوری داده‌ها و بررسی اسنادی آن‌ها مدنظر بوده است. آن‌گاه مساله فقر ابوطالب به سبب عیالواری که سبب اصلی وانهادن این سرپرستی معرفی شده است مورد کاوش تاریخی قرار گرفته است و در آخر نیز چگونگی سرپرستی بررسی شده است. یافته‌ها نشان از آن دارند که واگذاری سرپرستی جعفر به عباس علی‌رغم بازتاب در چندین منبع کهن اهل سنت برگرفته از خبری است که راوی نخست آن علاوه بر آن‌که در زمره شاگردان ابن عباس است خود نیز در زمان واقعه نبوده است. عیالواری ابوطالب نیز به سبب کم جمعیت بودن خانواده وی و ازدواج برخی از این فرزندان پذیرفته نیست لذا نمی‌توان از فقر او به دلیل عیالواری سخن گفت. به ویژه آن‌که بررسی وضعیت مالی ابوطالب نیز نشان‌گر فقر او نیست. نحوه درخواست سرپرستی نیز مناسب شأن ابوطالب به عنوان ریاست بنی‌هاشم و از بزرگان قریش نیست. به نظر طرح این ادعا در مقابل سرپرستی پیامبر(ص) برای امام علی(ع) و در رقابت خاندان عباسی با طالبیان برای کاستن از جایگاه ابوطالب بوده است.

کلمات کلیدی: جعفر بن ابی طالب، پیامبر(ص)، سرپرستی جعفر، ابوطالب، عباس بن عبدالمطلب.

مقدمه: جعفر یکی از فرزندان ابوطالب عموی رسول خداست. سبقت در اسلام، هجرت به حبشه، فرماندهی و شهادت در نبرد موته و سخنان پیامبر(ص) درباره شخصیت و جایگاه معنوی او، جعفر را به چهره‌ای شاخص و معیار در میان مسلمانان تبدیل کرده است. به دلیل نقش‌آفرینی ویژه جعفر در حوادث صدر اسلام و توجه رسول خدا(ص) به او، پرداختن به تاریخ زندگانی او اهمیتی دوچندان می‌یابد. پرسش محوری این پژوهش آن است که گزارش‌های وانهاده شدن سرپرستی جعفر به عباس بن عبدالمطلب چگونه ارزیابی می‌شوند؟ در راستای پاسخ‌یابی، این شیوه پژوهش پیموده می‌شود که پس از استقراء این دسته گزارش‌ها و ارزیابی استنادی آن، مدعای واگذاری به علت فقر ابوطالب به سبب عیالواری با داده‌های تاریخی مورد بررسی تحلیلی خواهد بود. آن‌گاه چگونگی واگذاری و پیامدهای آن نیز بررسی خواهد شد. **فرضیه‌های تحقیق** چنین‌اند که اولاً این گزارش علی‌رغم بازتاب در چند منبع کهن اهل سنت، تک‌خبر و غیر متصل به زمان واقعه است. ثانیاً در چرایی واگذاری، داده‌های تاریخی، فقر ابوطالب به سبب عیالواری مطرح شده را بر نمی‌تابند و ثالثاً در چگونگی وانهادن سرپرستی نیز نحوه برخورد با ابوطالب در شأن بزرگ خاندان و ریاست وی نمی‌باشد. لذاست که بیان این نوع روایات را باید در راستای همسان‌سازی با پذیرش سرپرستی امام علی(ع) توسط پیامبر(ص) در رقابت خاندان عباسی با طالبیان در کاستن از شأن ابوطالب دانست.

در بررسی پیشینه ستار عودی در مدخل جعفر بن ابی‌طالب از دانش‌نامه جهان اسلام(عودی، ۱۳۷۵، ج ۱۰: ۴۰۵) و سید محمود سامانی و أحمد خامه‌یار در مدخل جعفر بن ابی‌طالب از دانشنامه حج و حرمین شریفین(سامانی، ۱۳۹۲، ج ۶: ۶) مسأله سرپرستی عباس بن عبدالمطلب برای جعفر را بدون نقد خاصی پذیرفته‌اند. بهرامیان در مدخل جعفر بن ابی‌طالب از دایرة المعارف بزرگ اسلامی پس از اشاره به وجود گزارشی مبنی بر عسرت ابوطالب و سپرده شدن کفالت جعفر به عباس، با بیان این‌که در سال‌های ابتدایی حکومت عباسیان به عباس موقعیت ویژه‌ای بخشیده شده است این گزارش را بدون بررسی تنها مشکوک خوانده است(بهرامیان، ۱۳۶۷، ج ۱۸: ۱۶۰). در این میان سید جعفر مرتضی‌العاملی در الصحیح من سیره الإمام علی(ع) به هنگام بیان کفاله پیامبر(ص) برای امام علی(ع)، گزارش‌های مرتبط را مورد توجه قرار داده و چون در این گزارش‌ها سخن از واگذاری کفالت جعفر و عقیل نیز شده است به بررسی آن‌ها پرداخته است(العاملی، ۱۴۳۰، ج ۱: ۱۲۰ - ۱۲۹). اما این بررسی بیشتر از منظر کفالت پیامبر(ص) برای امام علی(ع) و مسائل مرتبط با آن است و ضمن مباحث از کفالت عباس برای جعفر نیز سخن به میان آمده است. در

مقاله فراروی تلاش آن است با شیوه تاریخ تحلیلی ابعاد مختلف گزارش‌های سرپرستی عباس از جعفر مورد بررسی قرار گیرند.

جعفر با کنیه ابوعبدالله (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۲۵) سومین پسر ابوطالب و فاطمه بنت اسد است (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۹۷ - ۹۸). جعفر از سوی پیامبر (ص) القاب ابوالمساکین (ابونعیم، بی تا، ج ۱: ۱۱۷؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۷۲: ۱۳۰) و ذوالجناحین (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۴۲) یافته بود. رسول خدا (ص) جعفر را از خود می دانست و از منظر جسمی و اخلاقی او را شبیه خود می خواند (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۴: ۲۶ - ۲۷؛ أحمد بن حنبل، ۱۴۳۰، ج ۲: ۱۱۲۷؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۱۱۷) و در کنار امام علی (ع) و حمزه او را از بهترین مردمان معرفی می کرد (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۳۴). تاریخ تولد جعفر دانسته نیست. بر اساس ذکر سنش در زمان شهادت نیز نمی توان به سال تولد او دست یافت زیرا شهادتش را به اختلاف در سال‌های ۳۳ (ابن هشام، بی تا، ج ۲: ۳۷۸؛ ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۳۲)، ۳۴ (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۳۲)، ۳۹ (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۴: ۲۵۶) و ۴۱ (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۴۵) گفته اند. بر این اساس که بیشتر گزارش‌ها فاصله سنی جعفر با امام علی (ع) را ده سال دانسته اند (ابن کلبی، ۱۴۰۷: ۳۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۹۷؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۹۵) و با توجه به ولادت امام علی (ع) در سال سی عام الفیل (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۵۲؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ۵؛ برای آگاهی از گزارش‌های تولد حضرت و نقد و بررسی آن‌ها ر.ک: مقدسی، ۱۳۹۱: ۱۸۴ - ۲۲۲)، تولد جعفر در بیستمین سال عام الفیل بوده است و سنش هنگام شهادت نیز ۴۱ سال خواهد بود.

در ارتباط با سرپرستی از جعفر در برخی منابع نخستین اهل سنت آمده است: قریش دچار بحران (قحطی) سختی شدند و ابوطالب مردی عیال‌وار بود. رسول خدا (ص) به عمویش عباس بن عبدالمطلب که از ثروتمندان بنی هاشم بود فرمود: برادرت ابوطالب عیال‌وار است و چنان‌که می بینی مردم به این سختی دچار گشته اند بیا نزد او برویم و از بار مسئولیتش بکاهیم. من یکی از پسران او را نزد خود میبرم و تو هم یکی دیگر را ببر. عباس این پیشنهاد را پذیرفت و هر دو نزد ابوطالب آمدند و گفتند: ما قصد داریم از بار مسئولیت شما نسبت به خانواده بکاهیم تا این مشکلی که پیش آمده برطرف گردد. ابوطالب گفت: عقیل را برای من بگذارید - و برخی گویند: گفت: عقیل و طالب را برای من بگذارید - و هر کدام را خواهید ببرید. پس رسول خدا (ص) علی (ع) را برگزید و عباس نیز جعفر را برداشت و به خانه بردند... جعفر نیز پیوسته

در خانه عباس بود تا هنگامی که اسلام اختیار کرد و از عباس بی‌نیاز شد (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۲۴۶؛ طبری، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۱۳؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۳: ۵۷۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵: ۸۴).

بررسی خبر سرپرستی عباس بن عبدالمطلب از جعفر بن ابی‌طالب از منظر تاریخ تحلیلی: در راستای بررسی این گزارش از منظر تاریخ تحلیلی، از ابعاد گوناگون می‌توان این گزارش را مورد بررسی قرار داد:

۱. **بررسی اسنادی:** در این قسمت هدف آن است تا این خبر از منظر داده‌های مرتبط با منبع خبر مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود گزارش یاد شده چه میزان از قوت استناد و هم‌پوشانی با اخبار مشابه برخوردار است.

۱/۱. **خبری متکی به نقل غیر متصل به زمان واقعه:** از منظر منبع با آن‌که این گزارش در کهن‌نگاشته‌هایی مانند السیره النبویه، تاریخ الطبری، المستدرک علی الصحیحین و الکشف و البیان آمده است اما نقل طبری (طبری، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۱۳)، حاکم نیشابوری (حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۳: ۵۷۶) و ثعلبی (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵: ۸۴) برگرفته از کتاب السیره النبویه (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۲۴۶) است و لذا این گزارش از منبعی واحد برآمده است که در بررسی راویان نیز مشخص می‌آید به زمان واقعه متصل نیست.

از منظر راویان خبر، در سلسله گزارش‌گران، راوی نخست این ماجرا، مُجاهد بن جَبَر است که نه تنها خود شاهد این روی‌داد نبوده است بلکه در عصر واقعه نیز حضور نداشته است تا از روی دادن آن اطلاع یافته باشد. مجاهد تولد یافته در سال ۲۱ق و وفات یافته به سال ۱۰۳ق می‌باشد (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۶: ۱۹ - ۲۰؛ ابن حبان، ۱۳۹۳، ج ۵: ۴۱۹) و لذا نزدیک به چهار دهه از زمان واقعه فاصله دارد. او در زمان واقعه هنوز به دنیا نیامده است و می‌بایست خبر را از فرد دیگری نقل کرده باشد اما از راوی زمان ماجرا نامی به میان نیامده است. مهمتر آن‌که مجاهد از شاگردان ابن عباس معرفی شده است (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۶: ۱۹) و نقل خبر به حمایت از خاندان عباس از جانب وی به دور از ذهن نیست به ویژه آن‌که جعل و تحریف اخبار در فضای رقابت‌های خاندانی امری قرین به سابقه است (برای آشنایی با نمونه‌ای از این نوع نقش‌آفرینی‌ها ر.ک: فقهی‌زاده و صادقی، ۱۳۹۳: ۱۳۵ - ۱۵۹؛ هدایت‌پناه، ۱۳۹۱: ۱۴۱ - ۲۱۵).

۱/۲. **یاری نشدن با گزارش‌های هم‌راستا:** از جمله قرائنی که می‌تواند به تقویت خبر تاریخی به ویژه در زمان وجود مشکل اسنادی کمک‌رسان باشد هم‌پوشانی و تقویت با گزارش‌های

تاریخی هم‌راستا است. به این معنا که اخباری دیگر به ویژه از سایر منابع، ضمن تایید اجمالی گزارش مورد بررسی، پوشش دهنده جوانب دیگری از آن باشند.

از این منظر نیز گزارش وانهاده شدن سرپرستی جعفر به عباس با مشکل مواجه است زیرا اخبار موجود در این باره هم‌راستا با این گزارش نیستند. طبق گزارش‌هایی که هم منابع کهن (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۴۱؛ گزارشی مشابه بدون بحث مساله مالی: قاضی نعمان، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۸۸) و هم منابع قرون میانی (منظور منابعی هستند که در سده‌های ششم به بعد نگارش یافته‌اند؛ مانند: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۷۹ - ۱۸۰؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۵) آن را بازتاب داده‌اند پیامبر (ص) با عموهای خود حمزه و عباس درباره کاستن از بار زندگی ابوطالب سخن گفت و حمزه سرپرستی جعفر و عباس سرپرستی طالب را پذیرفتند.

در بررسی، این دسته گزارش‌ها با چند چالش مهم مواجه هستند. اول آن که طبق اخبار فاصله سنی پسران ابوطالب که در ابتدای مقاله گذشت، طالب حداقل در آستانه سی سالگی بوده است و به صورت طبیعی در این بازه زمانی نمی‌بایست مخارج او بر عهده پدر باشد تا سرپرستی وی به فرد دیگری واگذار شود. دوم آن که در این خبرها ادعا شده است جعفر پیوسته با حمزه بود تا این که حمزه به شهادت رسید؛ ادعایی که از منظر تاریخی درست نیست. زیرا شهادت حمزه در سال سوم هجری در نبرد احد در مدینه رخ داد (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۰۰) اما جعفر در سال پنجم بعثت همراه مهاجران به حبشه رفت بود (ابن هشام، بی تا، ج ۲: ۲۲۳؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۲۴) و سال هفتم بعثت پس از نبرد خیبر به مدینه بازگشت (ابن هشام، بی تا، ج ۲: ۳۵۹؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲: ۸۲). فاصله زمانی هجرت جعفر و شهادت حمزه نزدیک به ده سال بود و اینان در این مدت از هم دور بوده‌اند و معنی ندارد که سرپرستی جعفر با حمزه باقی باشد. ضمن آن که جعفر در سفر به حبشه دارای خانواده بوده است و آمده است ابوطالب تا زمان مرگ در تامین معاش خانواده یاری‌رسان فرزندش در حبشه بوده است (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۲۴).

گزارش‌هایی دیگر، باز هم از کهن‌نگاشته‌های تاریخی (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۳۴۶) و منابع قرن‌های میانی (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۸۰)، تنها از سرپرستی پیامبر نسبت به امام علی (ع) سخن گفته‌اند. حاصل بررسی‌ها در مجموع گزارش‌ها آن است که سرپرستی عباس برای جعفر امری مورد اتفاق در گزارش‌های همسو نیست چرا که در برخی گزارش‌ها فقط از سرپرستی پیامبر (ص) نسبت به امام علی (ع) و

در دسته‌ای دیگر از سرپرستی حمزه برای جعفر و عباس برای طالب در کنار رسول خدا(ص) برای علی(ع) سخن به میان آمده است و تنها در گزارش مورد بررسی از سرپرستی عباس برای جعفر سخن گفته شده است.

۱/۳. بازتاب برجسته در منابع اهل سنت: در بررسی مشخص می‌شود منابع اهل سنت بازتاب دهنده و برجسته کننده این خبر هستند.

در منابع کهن اهل سنت، ابن هشام(۲۱۸ق)، طبری(۳۱۰ق)، حاکم نیشابوری(۴۰۵ق)، ثعلبی(۴۲۷ق)، بیهقی(۴۵۸ق)(بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲ : ۱۶۲) و ابن عبدالبر(۴۶۳ق)(ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱ : ۳۷) در قرن های سوم تا پنجم نقل کننده این خبر هستند. در صدهای بعدی این خبر در آثار سهیلی(۵۸۱ق)(سهیلی، ۱۴۱۲، ج ۳ : ۷ - ۸)، ابن اثیر(۶۳۰ق)(ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲ : ۵۸) ابوالربیع حمیری(۶۳۴ق)(حمیری، ۱۴۲۰، ج ۱ : ۱۷۰)، ابن سید الناس(۷۳۴ق)(ابن سید الناس، ۱۴۱۴، ج ۱ : ۱۱۱)، ابن کثیر(۷۷۴ق)(ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۳ : ۲۵) و صالحی دمشقی(۹۴۲ق)(صالحی، ۱۴۱۴، ج ۲ : ۳۰۱) بازنگارش می‌شود. این در حالی است که در منابع شیعه در قرن چهارم ابوالفرج اصفهانی(۳۵۶ق) و قاضی نعمان(۳۶۳ق) خبری مشابه این را گزارش کرده‌اند بدین گونه که ابوالفرج از سرپرستی عباس برای طالب و قاضی نعمان در یک خبر از سرپرستی عباس برای عقیل و در خبر دوم از سرپرستی او برای جعفر سخن به میان آورده‌اند با این تفاوت که در گزارش قاضی نعمان بحث مالی برای ابوطالب مطرح نیست(ابوالفرج اصفهانی، بی تا : ۴۱؛ قاضی نعمان، ۱۴۰۹، ج ۱ : ۱۸۸). شیخ صدوق(۳۸۱ق) نیز در این قرن دقیقاً گزارش ابن هشام را بازتاب داده است(صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱ : ۱۶۹). بازنگارش این خبر در منابع صدهای بعدی شیعی توسط فتال نیشابوری(۵۰۸ق)(فتال، ۱۳۷۵، ج ۱ : ۸۶)، طبرسی(۵۴۸ق)(طبرسی، ۱۳۹۰، ج ۱ : ۱۰۵ - ۱۰۶)، ابن شهر آشوب(۵۸۸ق)(ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲ : ۱۷۹)، ابن طاووس(۶۶۴ق)(ابن طاووس، ۱۴۰۰، ج ۱ : ۱۷) و اربلی(۶۹۲ق)(اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱ : ۷۹) به مانند شیخ صدوق دقیقاً بازنگارش گزارش ابن هشام است که نشان از راه یافتن این خبر از طریق منابع اهل سنت به منابع شیعه است.

۲. شغل و وضعیت مالی ابوطالب: جنبه‌ای از گزارش یاد شده در ارتباط با وضعیت مالی و شغل ابوطالب است لذا بررسی وضعیت مالی ابوطالب می‌تواند زوایایی برای تحلیل گزارش بگشاید.

منطقه مکه به دلیل شرایط خاص جغرافیایی برای کشاورزی مناسب نبوده است و قریشیان از دیرباز با تجارت روزگار می‌گذانیدند. سفرهای تجاری قریش از مؤلفه‌های نفوذ اجتماعی و قدرت سیاسی ایشان در عصر پیش از اسلام در منطقه بود که رونق اقتصادی را نیز برای مکیان فراهم آورد (برای مطالعه: ناظمیان فرد، ۱۳۸۸ : ۱۰۳ - ۱۲۳). ابوطالب نیز به مانند بسیاری از اهالی مکه و نیاکان خود (طبری، ۱۳۷۸، ج ۲ : ۲۵۲) پیشه تجارت داشت. نمونه‌ای از سفر تجاری ابوطالب همراه کاروان تجاری قریش در وقایع دوران کودکی رسول خدا (ص) قابل مشاهده است (ابن هشام، بی تا، ج ۱ : ۱۸۰). در پیشه تجارت، ابوطالب را فروشنده عطر دانسته‌اند که گاه گندم نیز معامله می‌کرده است (ابن قتیبه، ۱۹۹۲ : ۵۷۵).

در ارتباط با وضعیت مالی با آن که در برخی گزارش‌ها سخن از تنگ‌دستی ابوطالب به میان است (یعقوبی، بی تا، ج ۲ : ۱۴) اما این تنگ‌دستی به معنی فقر و عدم تامین معاش خانواده نمی‌تواند باشد. چگونه می‌توان او را تهی دست شمرد در حالی که آمده است ابوطالب کسی بود که اطعام بر دیگران داشت و در روز اطعام ابوطالب فرد دیگری از قریش اطعامی نمی‌کرد (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲ : ۲۸۷). همچنین ابوطالب کسی است که در هنگام خطبه عقد حضرت خدیجه (س) برای برادرزاده‌اش رسول خدا (ص)، خود را عهده‌دار پرداخت مهریه این بانو می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵ : ۳۷۴ - ۳۷۵). مهمتر آن که در ماجرای شعب ابی طالب و محاصره اقتصادی سه ساله بنی‌هاشم و بنی‌مطلب در آن شرایط بسیار سخت نام ابوطالب در کنار نام رسول خدا (ص) و حضرت خدیجه (س) آمده است که با انفاق اموال خود توانستند بخشی از مشکلات را مدیریت کنند (یعقوبی، بی تا، ج ۲ : ۳۱). حتی آمده است چون جعفر به همراه خانواده به حبشه مهاجرت کرد ابوطالب تا زمان مرگ در تامین مخارج زندگی کمک حال فرزندش بود (بلاذری، ۱۴۱۷؛ ج ۱ : ۲۲۴).

یکی از شواهدی که ممکن است بر تهی‌دستی ابوطالب اقامه شود سخن از قرض گرفتن او از برادرش عباس است. اما باید دانست این قرض گرفتن به جهت ساماندهی امور منزل نبوده است بلکه چون ابوطالب بعد از مرگ زبیر بن عبدالمطلب ریاست بنی‌هاشم را عهده‌دار شد سرپرستی دو منصب آب‌رسانی به حاجیان (سقایت) و پذیرایی از آنان (رفادت) نیز به عنوان دو منصب اجتماعی خاندان عبدمناف در اختیار او قرار گرفت (همان، ج ۱ : ۵۷). دو منصبی که به دلیل جنبه اجتماعی و مرتبط بودنش با بحث حج برای اداره کردن نیازمند هزینه زیادی بود به گونه‌ای که بعدها در عصر خلافت هزینه رفادت از بیت المال تامین می‌شود (همان). لذا به دلیل همین هزینه زیاد است که ابوطالب برای اداره این دو منصب از برادرش عباس

در یک سال ده هزار درهم و در سال بعد پانزده هزار درهم قرض کرد و چون سال سوم نتوانست این بدهی را بازگرداند اداره آن مناصب را به وی وانهاد(همان، ج ۱: ۶۴).

با توجه به شواهد یاد شده سخن از تنگ‌دستی ابوطالب را نباید در ارتباط با اداره امور منزل تعبیر کرد بلکه در مقایسه با اشراف قریش بوده است که دارای ثروت زیادی بوده‌اند. سخن حضرت علی(ع) نیز این است که پدرش با وجود عدم مال بر قریش سیادت داشته و مورد اطاعت بوده است(یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۱۴).

۳. بررسی سختی معیشت ابوطالب به سبب عیالواری: ادعای گزارش یاد شده آن است که به سبب تعداد زیاد افراد تحت تکفل ابوطالب تامین مخارج زندگی وی با دشواری مواجه بود و پذیرفتن سرپرستی فرزندان به جهت کاستن از بار مالی خانواده او صورت گرفته است. ادعایی که بررسی تعداد فرزندان ابوطالب روشن کننده صحت و سقم آن می‌تواند باشد.

۳/۱. تعداد فرزندان ابوطالب: آنچه دیرین‌نگاشته‌های نسب‌شناسانه بر آن اتفاق دارند آن است که برای ابوطالب پسرانی به نام‌های طالب، عقیل، جعفر، علی(ع) و دخترانی به نام‌های ام‌هانی(هند یا فاخته) و جمانه بوده است و مادر تمامی این فرزندان فاطمه بنت اسد است(ابن کلبی، ۱۴۰۷: ۳۰؛ زبیری، ۱۹۹۹: ۳۹ - ۴۰؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۹۵ - ۲۹۶؛ ابن‌صوفی، ۱۴۲۲: ۱۸۷ - ۱۹۲). طلیق پسر دیگری است که برخی برای ابوطالب از مادری کنیز به نام «عله»(ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۹۸) ذکر کرده‌اند که در کودکی از دنیا رفته است(بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۹۶) و برخی دیگر از عدم اطمینان بر وجود چنین فرزندی برای ابوطالب سخن گفته‌اند(ابن‌صوفی، ۱۴۲۲: ۱۹۲). ام‌طالب دختر دیگری است که ابن‌سعد برای ابوطالب و فاطمه بنت اسد آورده است و احتمال داده است نامش ریظه باشد(ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۸: ۳۹). داده‌های منابع بعدی نیز درباره ام‌طالب برگرفته از این سخن ابن‌سعد است(ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج ۸: ۴۲۳).

در ارتباط با طلیق بر فرض پذیرش تولد، چون با توجه به همان تک‌گزارش‌ها در کودکی از دنیا رفته است لذا در زمان این واقعه در شمار افراد تحت تکفل ابوطالب نبوده است. در گزارش‌های سرپرستی نیز نامی از طلیق به میان نیست. در مورد ام‌طالب یا ریظه مشکل آن است که افزون بر عدم ذکر نام چنین شخصی در میان فرزندان ابوطالب در کتاب‌های نسب‌شناسی، آثار تاریخی نیز یادکرد خاصی از وی ندارند. تنها در کتاب مغازی آمده است که پیامبر(ص) سهمی از غنایم خیبر به وی داد(واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۶۹۴). ابن‌سعد

نیز ضمن اذعان به نبود نام امطالب در آثار نسب‌شناسان سخن خود در مورد امطالب را به ذکر نام وی در کتاب مغازی واقدی کرده است (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۸: ۳۹). این در حالی است که دو دختر دیگر ابوطالب افرادی شناخته شده در تاریخ هستند و منابع تاریخی اخبار زیادی از ایشان را بازتاب داده‌اند. بر این اساس است که برخی کهن نگاشته‌ها تنها چهار پسر و دو دختر برای ابوطالب ذکر کرده‌اند و از طلیق و امطالب سخنی به میان نیاورده‌اند (زبیری، ۱۹۹۹: ۳۹ - ۴۰؛ مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۳۵۰).

بر این اساس فرزندان ابوطالب شش نفر بوده‌اند و خانواده ابوطالب در مقایسه با خانواده افرادی مانند پدرش عبدالمطلب که دارای شانزده فرزند بود (زبیری، ۱۹۹۹: ۱۷ - ۱۸) و برادرش عباس که دوازده فرزند داشت (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۴: ۳۰ - ۳۱) پر جمعیت به شمار نمی‌آید. همچنین تمامی فرزندان ابوطالب از فاطمه بنت اسد گفته شده‌اند و تنها مادر طلیق را کنیز دانسته‌اند این در حالی است که فرزندان عبدالمطلب و عباس از مادرائی چند بوده‌اند لذا در تعداد همسر نیز ابوطالب عهده‌دار مخارج چندین همسر نبوده است.

۳/۲. فرزندان تحت تکفل ابوطالب در زمان واقعه: گزارش یاد شده دلیل سرپرستی را کاستن از

مخارج زندگی ابوطالب به دلیل عیالواری بیان می‌کند. پس از بررسی تعداد فرزندان و همسران ابوطالب کاویدن امر سرپرستی مالی آنان در زمان واقعه کمک‌رسان پاسخ‌یابی ادعای مطرح شده می‌باشد.

ام‌هانی به دلیل ازدواج در آن بازه زمانی از سرپرستی مالی ابوطالب خارج بوده‌اند. ام‌هانی در جاهلیت و در دوران جوانی رسول خدا (ص) با هبیره بن ابی‌وهب مخزومی ازدواج کرد (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۸: ۱۲۰؛ ابن‌حبیب، بی تا: ۹۷ - ۹۸) و به همین دلیل در زمان سرپرستی پیامبر از امام علی (ع)، همسر هبیره و در منزل وی بود. طبق بیشتر منابع کهن میان پسران ابوطالب هر کدام ده سال فاصله سنی وجود داشته است (ابن‌کلبی، ۱۴۰۷: ۳۰؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۹۷؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۹۵؛ ابن‌صوفی، ۱۴۲۲: ۱۹۲؛ ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۳: ۱۰۹۰؛ مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۳۵۰) تک گزارشی نیز از فاصله نه ساله میان امام علی (ع) و جعفر و فاصله سنی چهار ساله میان جعفر و عقیل سخن به میان آورده است (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۹۵ - ۲۹۶). از آن جا که سپرده شدن سرپرستی در خردسالی امام علی و حدود شش سالگی ایشان گفته شده است (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۸۰؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۵) لذا بر اساس فاصله سنی مشهور که از پشتوانه کثرت منابع نیز برخوردار است طالب در دهه چهارم عمر خود بوده و نمی‌بایست بار

مسئولیت اقتصادی وی بر عهده ابوطالب بوده باشد. عقیل نیز در سومین دهه زندگی بوده است و در سن تشکیل خانواده است و می‌بایست به عنوان بازوی اقتصادی خانواده نگریسته شود. بر اساس تک گزارش تفاوت سنی غیر ده سال نیز باز طالب و عقیل فراتر از سن وابستگی اقتصادی هستند. از داده‌های مرتبط با جمانه نمی‌توان حدود سن وی را در ارتباط با این واقعه مشخص کرد. تنها چون امام علی(ع) را کوچکترین فرزند ابوطالب گفته‌اند(ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۳: ۱۰۹۰) جمانه نیز می‌بایست از ایشان بزرگتر بوده باشد. جعفر نیز دومین دهه از عمر خویش را سپری می‌کرده است و در آخرین سال‌های نوجوانی بوده است.

بر اساس مجموع داده‌ها، ام‌هانی و طالب خود دارای خانواده جدا بوده‌اند و عقیل نیز در سنی است که نمی‌توان وی را تنها وابسته اقتصادی دانست. با توجه به آن‌که سن جمانه و احتمال ازدواج وی مشخص نیست تنها جمانه، جعفر و امام علی(ع) را می‌توان در سنی دانست که نیازمند سرپرستی خانواده و حمایت مالی ابوطالب بوده‌اند. لذا نمی‌توان از فقر ابوطالب به دلیل عیالواری سخن به میان آورد.

۴. **واگذاری سرپرستی و جایگاه اجتماعی ابوطالب:** با توجه به ساختار نظام قبیله‌ای یکی از موضوعاتی که توجه به آن می‌تواند یاری‌رسان محقق در بررسی این گزارش باشد جایگاه اجتماعی ابوطالب در میان طائفه بنی‌هاشم و قبیله قریش و نحوه واگذاری سرپرستی مطرح شده در این گزارش است.

۴/۱. **ابوطالب زعیم بنی‌هاشم:** با مرگ عبدالمطلب طبق وصیت او فرزندش زبیر جانشین پدر در امور حکمرانی و تولیت کعبه شد(یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۱۳). سرپرستی منصب آب‌رسانی به حاجیان(سقایت) و پذیرایی از آنان(رفادت) به عنوان دو منصب اجتماعی در اختیار خاندان عبدمناف نیز در اختیار زبیر قرار گرفت(بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۶۴). در نبرد فجار زبیر به عنوان رئیس بنی‌هاشم حضور داشت(یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۱۵)؛ هر چند که گفته شده است حضورش به اکراه بود و بر این کار مجبور شد(همان). در ماجرای ستم بر مردی از بنی‌زبید چون بنی‌هاشم، بنی‌زهره و بنی‌تیم گرد هم آمدند این زبیربن عبدالمطلب بود که نخست آنان را به بستن پیمان حمایت از مظلوم فراخواند و حلف الفضول شکل گرفت ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۰۳؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۷۸).

زبیر، ابوطالب و عبدالله از یک مادر بودند (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۹۳). ابوطالب در دوران زعامت برادرش زبیر بر بنی هاشم از جایگاه والایی برخوردار بود به گونه‌ای که گفته شده است عبدالمطلب سقایت زمزم را به ابوطالب سپرد (یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۱۳) و او بود که مانع حضور بنی هاشم در نبر فجار بود چرا که نبرد را در ماه حرام ناروا و شکستن حرمت ایام می دانست (همان، ج ۲: ۱۵). با مرگ زبیر برادرش ابوطالب جانشین او شد زیرا همان گونه که عبدالمطلب به زبیر وصیت کرد و او جانشین پدر در امور قبیله‌ای شد زبیر نیز به برادرش ابوطالب وصیت کرد (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۶۶). منصب سقایت و رفادت نیز به عنوان دو منصب اجتماعی خاندان عبدمناف در اختیار ابوطالب قرار گرفت (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۵۷). به سبب این جایگاه اجتماعی است که به هنگام تعمیر کعبه جناب ابوطالب قریشیان را ندا داد که تنها می بایست از اموال پاکیزه خود هزینه تعمیر خانه خدا را فراهم آورند و قریش نیز خواسته او را اجابت کردند (یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۱۹). جایگاه اجتماعی ابوطالب در میان قریشیان چنان بود که در روزی که او اطعام داشت فرد دیگری از قریش اطعامی نمی کرد (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۸۷). در دوران رسالت نیز سران قریش در مواجهه با دعوت رسول الله (ص) خواسته‌های خود را با ابوطالب در میان می نهادند (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۲۶۵). در ماجرای محاصره اجتماعی و اقتصادی مشرکان ضد بنی هاشم و بنی مطلب آنان نزد ابوطالب گرد آمدند و همراه او در شعب ابی طالب سکنی گرفتند (طبری، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۳۶). این شواهد نشان از آن دارد که ابوطالب ریاست خاندان قریش را عهده‌دار بوده است.

۴/۲. چگونگی واگذاری سرپرستی: شیوه واگذاری سرپرستی فرزندان ابوطالب و مدت زمان آن در گزارش یاد شده یکی دیگر از چالش‌های فراروی آن است.

در خبر یاد شده آمده است: قریش دچار بحران سختی شدند و ابوطالب مردی عیال‌وار بود. رسول خدا (ص) به عمویش عباس که از ثروتمندان بنی هاشم بود فرمود: برادرت ابوطالب عیال‌وار است و چنان‌که می بینی مردم به این سختی دچار گشته‌اند بیا نزد او برویم و از بار مسئولیتش بکاهیم. من یکی از پسران او را نزد خود میبرم و تو هم یکی دیگر را ببر. عباس این پیشنهاد را پذیرفت و هر دو نزد ابوطالب آمدند و گفتند: ما قصد داریم از بار مسئولیت شما نسبت به خانواده بکاهیم تا این مشکلی که پیش آمده برطرف گردد.

این نحوه گفتگو برای یاری‌رسانی به ابوطالب متناسب با شخصیت و جایگاه اجتماعی ابوطالب به عنوان زعیم هاشمیان در میان قریش نیست. ابوطالب از بزرگان قریش و از سوی آنان مورد اطاعت بود (یعقوبی،

بی تا، ج ۲: ۱۴). چنان‌که گذشت جایگاه ابوطالب در سخاوتمندی و بخشش در میان قریشیان نیز چنان بود که آورده‌اند در روزی که او اطعام داشت فرد دیگری از قریش اطعامی نمی‌کرد. همچنین ابوطالب سال‌ها سرپرستی پیامبر(ص) را عهده‌دار بود. حال بر فرض دچار تنگ‌دستی نیز شده باشد شایسته آن بود که جایگاه اجتماعی وی حفظ شود نه این‌که در عمل نظم خانواده وی با واگذاری سرپرستی فرزندان گسیخته گردد.

نکته دیگر آن‌که اگر پذیرش سرپرستی برای رفع مشکل مالی ابوطالب در سالی که قریش دچار بحران شده بوده باشد، چه لزومی داشته است که این سرپرستی ادامه یابد و جعفر تا زمان اسلام اختیار کردنش تحت سرپرستی عباس باشد. چنان‌که گذشت برخی واقعه سرپرستی را حدود شش سالگی امام علی(ع) گفته‌اند(ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۸۰). بر اساس تولد امام علی(ع) ده سال پیش از بعثت(مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ۵) لازم می‌آید اگر جعفر در زمره نخستین مسلمانان هم باشد حداقل ۴ تا ۵ سال اختیار سرپرستی وی با عباس بوده باشد. اگر وقوع این ماجرا را در سال‌های کودکی امام علی بدانیم قاعدتا بر این سال‌های سرپرستی افزوده خواهد شد.

۵. پیامد نداشتن سرپرستی عباس از جعفر: همان‌گونه که واقعه بدون دلیل اتفاق نمی‌افتد و بررسی چرایی روی دادن آن بخشی از تحلیل واقعه است؛ بروز هر حادثه‌ای نیز بدون پیامد نخواهد بود و توجه به پیامدها نیز بخشی از بررسی واقعه است.

در ارتباط با سرپرستی پیامبر(ص) پس از درگذشت عبدالمطلب، برخی گزارش‌ها از قرار گرفتن این وظیفه بر عهده زبیربن عبدالمطلب سخن به میان آورده‌اند و حتی گفته شده است زبیر تا زمان مرگ خود این مسئولیت را عهده‌دار بوده است(بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۹۳). زبیری که بعد از پدر ریاست بنی‌هاشم را عهده‌دار شده بود(ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۶۹) و به مانند ابوطالب برادر تنی عبدالله بود(بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۹۳). در کنار فزونی گزارش‌های سرپرستی ابوطالب، یکی از مسائلی که می‌تواند این خبر را به چالش بکشد پیامد نداشتن سرپرستی زبیر در داده‌های منابع است. بدین معنا که اگر زبیر این سرپرستی را عهده‌دار بود لاجرم در ذکر حوادث زندگانی پیامبر(ص) به ویژه روزگار کودکی و نوجوانی این سرپرستی نمود بیرونی خود را نشان می‌داد چنان‌که در ارتباط با جناب ابوطالب گزارش‌های فراوانی از نحوه رسیدگی به رسول

خدا(ص) در منابع بازتاب دارند. نمونه دیگر پذیرش سرپرستی امیرالمؤمنین(ع) توسط رسول خدا(ص) است که می‌توان پیامدهای آن را در گزارش‌های تاریخی مشاهده کرد(صبحی صالح، ۱۴۱۴: ۳۰۰).

سخن از واگذاری سرپرستی جعفر بن ابی‌طالب به عباس بن عبدالمطلب در حالی است که در بررسی منابع کهن در ارتباط با حوادث زندگانی جعفر از نقش‌آفرینی عباس داده‌ای فراچنگ نمی‌آید(برای نمونه بنگرید: ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۴: ۲۵ - ۳۱؛ ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۲۵ - ۳۵؛ ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۴۲ - ۲۴۵). تا بر اساس آن بتوان ارتباط ویژه‌ای میان جعفر و عباس یافت که مرتبط با این سرپرستی باشد. این بروز برونی نیافتن در حالی است که طبق گزارش مورد بررسی، ایام سرپرستی کوتاه نبوده و تا زمان بعثت پیامبر(ص) و اسلام آوردن جعفر ادامه داشته است و همچنین جعفر در این سال‌ها نیز پیوسته با عباس بوده است(ابن‌هشام، بی تا، ج ۱: ۲۴۶؛ طبری، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۱۳). در نمونه‌ای بارز در ماجرای رقابت محمد بن عبدالله(۱۴۵ق) با منصور عباسی(۱۵۸ق) بر سر خلافت که به نامه‌نگاری و بیان فخر خاندانی میان این دو منجر شد سخنی از سرپرستی عباس برای جعفر به میان نمی‌آید و این در حالی است که منصور از افتخارات خاندانی خود بر طالبیان فروگذار نکرده است و از کمک‌رسانی عباس به طالب و عقیل سخن به میان آورده است(طبری، ۱۳۷۸، ج ۷: ۵۶۸ - ۵۷۱).

۶. **مقابله با سرپرستی پیامبر(ص) از امام علی(ع):** به نظر می‌رسد طرح مسأله سپردن سرپرستی فرزندان ابوطالب به سبب فقر به برخی از افراد بنی‌هاشم بی‌تاثیر با سرپرستی پیامبر(ص) از امام علی(ع) صورت نگرفته باشد.

سرپرستی رسول‌خدا(ص) از امام علی(ع) در زمره فضیلت‌های امام بوده است که ایشان بدان افتخار می‌کرده است و آن را از اختصاصات خود برمی‌شمرده است. آن‌جا که در نهج‌البلاغه در کلام امیرالمؤمنین(ع) آمده است: «شما از منزلت من در نزد رسول‌الله(ع) آگاه هستید، هم از جهت خویشاوندی و هم از جهت حرمت خاصی که برای من می‌شناخت. من خردسال بودم که مرا نزد خود می‌نشاند و بر سینه خود می‌چسباند و در کنار خود می‌خواباند و تن من به تن او می‌سایید و بوی خوش او را استشمام می‌کردم. گاه چیزی را می‌جوید و در دهان من می‌نهاد. او هرگز نه دروغی را از من شنید و نه در رفتارم خطایی دید»(صبحی صالح، ۱۴۱۴: ۳۰۰). این تحت سرپرستی بودن امام علی(ع) توسط پیامبر(ص) در

گزارش‌هایی از منابع کهن مانند السیره النبویه ابن هشام (ابن هشام، بی تا، ج ۱: ۲۴۵) و تاریخ طبری (طبری، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۱۳) از نعمت‌های خداوند بر امام دانسته شده است.

طبق برخی گزارش‌ها پیامبر (ص) سرپرستی یکی از فرزندان ابوطالب را بی آن‌که بحث فقر به میان باشد درخواست می‌کند تا آن فرزند در کارهای حضرت کمک‌رسان ایشان باشد و امور ایشان را کفایت کند. ابوطالب پاسخ می‌دهد هر کدام را که می‌خواهی برگزین و پیامبر (ص) امام علی (ع) را انتخاب می‌کند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۸۰). حال با پیش کشیده شدن چنین خبری گویا پیامبر تابع جبر زمانه تنها برای رهایی عمومی خویش از فقر چنین کاری را انجام داده است و هیچ نگاه ویژه‌ای به امام علی (ع) نداشته است و همچنین ایشان در این ماجرا تنها نبوده است و عباس نیز سرپرستی جعفر را بر عهده گرفته است.

۷. رقابت‌های سیاسی خاندانی عباسی با علویان: رقابت عباسیان با علویان در مسأله خلافت یکی از عواملی است که در گزارش‌های تاریخ صدر اسلام در جایگاه بخشیدن به عباس و کاستن از جایگاه ابوطالب تاثیرگذار بوده است.

در نامه‌نگاری‌های محمد نفس زکیه و منصور عباسی در نزاع بر سر خلافت این مسأله به وضوح قابل مشاهده است. محمد ویژگی‌های خاندان علوی و برتری‌های آنان را برمی‌شمارد و منصور تلاش دارد در مقابل عباس و عباسیان را در جاهلیت و اسلام برتر نشان دهد (برای اطلاع بنگرید: طبری، ۱۳۷۸، ج ۷: ۵۶۷ - ۵۷۱).

شاهد بر مسأله این مقاله، چون محمد از حضور عباس در جنگ بدر در برابر مسلمانان یاد کرده بود منصور در مقابل برای زدودن این چالش از این صحبت می‌کند که با آمدن اسلام عباس کمک حال ابوطالب بود و خرج زندگی وی را می‌داد و در ادامه بیان می‌کند اگر عباس در بدر نبود عقیل و طالب جیره خوار عتبه و شیبه می‌شدند (طبری، ۱۳۷۸، ج ۷: ۵۷۱). منصور نه تنها حضور عباس در بدر را برای خاندان خود مایه سرشکستگی نمی‌داند بلکه به سبب رقابت خاندانی با طالبیان، اقدام عباس بر اطعام سپاه مشرکان در بدر را از افتخارات خاندان عباسی برمی‌شمارد و مدعی می‌گردد عباس با اطعام خود ننگ و عار را از فرزندان ابوطالب برداشته است.

نتیجه: واگذاری سرپرستی جعفر به عباس بن عبدالمطلب یکی از ابهام‌های تاریخ زندگی این شخصیت مهم اسلام است. دلیل این واگذاری فقر ابوطالب به سبب عیالواری بیان شده است و این که همزمان رسول خدا(ص) و عباس سرپرستی امام علی(ع) و جعفر را پذیرفتند. در بررسی این خبر مشخص شد با آن که گزارش در چندین منبع کهن اهل سنت بازتاب دارد اما تک خبری است که سلسله گزارش‌گران آن نیز به زمان واقعه نمی‌رسند. ضمن آن که نخستین راوی از شاگردان ابن عباس است و احتمال روایت‌سازی به سود عباسیان منتفی نیست. فقر ابوطالب به سبب عیالواری نیز در بررسی تاریخی به دلیل کم جمعیت بودن خانواده او و اندک بودن افراد وابسته در اقتصاد به ایشان در زمان واقعه، ادعایی پذیرفتنی نیست ضمن این که بررسی وضعیت مالی ابوطالب نیز نشانی از فقر ندارد. همچنین نحوه سرپرستی و زمان آن نیز با چالش‌هایی مانند عدم رعایت جایگاه ابوطالب مواجه است. در مجموع به نظر می‌رسد وانهادن سرپرستی جعفر، در مقابل سرپرستی رسول خدا(ص) از امام علی(ع) و همچنین در رقابت‌های خاندانی عباسیان با علویان در کاستن از شأن ابوطالب طراحی شده باشد.

منابع:

- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم (۱۳۸۵). الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر - دار بیروت.
- ابن حبان، محمد (۱۳۹۳). الثقات، حیدرآباد دکن، مؤسسه‌ الکتب الثقافیه.
- ابن حبیب، محمد (بی تا). کتاب المحبر، بیروت، دار الأفاق الجدیده.
- ابن حجر عسقلانی (۱۴۱۵). الإصابه فی تمییز الصحابه، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع (۱۴۱۰). الطبقات الکبری، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن سید الناس، محمد بن محمد یعمری (۱۴۱۴). عیون الأثر فی فنون المغازی و الشامیل و السیر، بیروت، دار القلم.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹). مناقب آل ابی‌طالب، قم، علامه.

- ابن صوفى نسابه، على بن محمد (١٤٢٢). *المجدي في انساب الطالبين*، قم، مكتبة آيت الله المرعشى النجفى.
- ابن طاووس، على بن موسى (١٤٠٠). *الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف*، قم، خيام.
- ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله (١٤١٢). *الإستيعاب في معرفة الأصحاب*، بيروت، دار الجيل.
- ابن عساكر، على بن حسن (١٤١٥). *تاريخ مدينة دمشق*، بيروت، دار الفكر.
- ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم (١٩٩٢). *المعارف*، قاهره، الهيئه المصريه العامه للكتاب.
- ابن كثير، اسماعيل بن عمر (١٤٠٧). *البدايه و النهايه*، بيروت، دار الفكر.
- ابن كلبى، هشام بن محمد (١٤٠٧). *جمهره النسب*، بى جا، عالم الكتب.
- ابن هشام، عبدالملك (بى تا). *السيرة النبويه*، بيروت، دار المعرفه.
- ابوالفرج اصفهاني، على بن حسين (بى تا). *مقاتل الطالبين*، بيروت، دار المعرفه.
- ابونعيم، أحمد بن عبدالله (بى تا). *حليه الأولياء و طبقات الأصفياء*، قاهره، دار ام القرى.
- أحمد بن محمد بن حنبل (١٤٣٠). *فضائل الصحابه*، قاهره، دار ابن الجوزى.
- اربلى، على بن عيسى (١٣٨١). *كشف الغمه في معرفة الأئمه*، تبريز، بنى هاشمى.
- بلاذرى، أحمد بن يحيى (١٤١٧). *كتاب جمل من أنساب الأشراف*، بيروت، دار الفكر.
- بهراميان، على (١٣٦٧). "جعفر بن ابى طالب"، *دائرة المعارف بزرگ اسلامى*، زير نظر كاظم موسى بجنوردى، تهران، مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامى.
- بيهقى، ابوبكر (١٤٠٥). *دلائل النبوه و معرفة أحوال صاحب الشريعه*، بيروت، دار الكتب العلميه.
- ثعلبى، أحمد بن محمد (١٤٢٢). *الكشف و البيان المعروف تفسير الثعلبى*، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
- حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله (بى تا). *المستدرک على الصحيحين*، بيروت، دار المعرفه.

حمیری کلاعی، ابوالربیع (۱۴۲۰). الإکتفاء بما تضمنه من مغازی رسول الله (ص) و الثلاثة الخلفاء، بیروت، دار الکتب العلمیه.

زیری، مصعب بن عبدالله (۱۹۹۹). کتاب نسب قریش، قاهره، دار المعارف.

سامانی، سید محمود و أحمد خامه یار (۱۳۹۲). "جعفرین ابی طالب"، دانشنامه حج و حرمین شریفین، تهران، مشعر.

السهیلی، عبدالرحمن (۱۴۱۲). الروض الأنف فی شرح السیره النبویه، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

صالحی دمشقی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴). سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، بیروت، دار الکتب العلمیه.

صبحی صالح (۱۴۱۴). نهج البلاغه، قم، هجرت.

صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵). علل الشرایع، قم، داوری.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰). إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران، اسلامیه.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۸). تاریخ الأمم و الملوک، بیروت، دار التراث.

العاملی، سید جعفر مرتضی (۱۴۳۰). الصحیح من سیره الإمام علی (ع)، المركز الإسلامی، للدراسات، بیروت.

عودی، ستار (۱۳۷۵). "جعفرین ابی طالب"، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی.

فتال نیشابوری، محمد بن أحمد (۱۳۷۵). روضه الواعظین و بصیره المتعظین، قم، رضی.

فقهی زاده، عبدالهادی و سید جعفر صادقی (۱۳۹۳). "نقش عباسین در جعل و تحریف روایات مهدوی"، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۲۹، بهار، صص ۱۳۵ - ۱۵۹.

قاضی نعمان، ابن حیون (۱۴۰۹). شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، قم، جامعه مدرسین.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تهران، دار الکتب اسلامییه.

مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، قم، دار الهجره.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.

مقدسی، یدالله (۱۳۹۱). *بازپژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان(ع)*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

ناظمیان فرد، علی (۱۳۸۸). "ایلایف قریش و تاثیر آن بر حیات اقتصادی و اجتماعی مکه در روزگاران پیش

از اسلام"، *فصلنامه تاریخ اسلام و ایران*، شماره ۷۷، تابستان، صص ۱۰۳ - ۱۲۶.

واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). *کتاب المغازی*، بیروت، مؤسسه الأعلمی.

هدایت پناه، محمدرضا (۱۳۹۱). *زبیریان و تدوین سیره نبوی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

یعقوبی، أحمد بن ابی یعقوب (بی تا). *تاریخ الیعقوبی*، بیروت، دار صادر.